

فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران / سال نهم / شماره ۳۲ / پاییز ۱۳۸۶ / صفحات ۱-۲۹

بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها

دکتر مرتضی نادری*

دکتر احمد شربت اوغلی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۹/۲۷

تاریخ ارسال: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸

چکیده

بررسی‌های انجام شده در مقوله حسابداری رشد اقتصادی نشان می‌دهد که بخش اصلی رشد محقق شده در کشورها توسط نهاده‌های سنتی کار و سرمایه توضیح داده نمی‌شود. این جزء از رشد اقتصادی که در متون اقتصادی با عنوان عامل پسماند شناخته شده است، به مجموعه عواملی نسبت داده می‌شود که به افزایش بهره‌وری کلی عوامل تولید سنتی (کار و سرمایه) منجر می‌شوند. مبانی نظری و تجربی، عموماً پایه‌های خرد و کلان آزادی انتخاب و رقابت‌پذیری را ریشه‌های اصلی کیفیت بروز بهره‌وری عوامل تولید معرفی می‌کنند. در این پژوهش سعی کرده‌ایم رویکرد مدل‌های رشد اقتصادی به متغیر رفتار آحاد اقتصادی پیوند زده شود. اگر قرار باشد رویکرد مدل‌های رشد اقتصادی را به تئوری اقتصاد ارتباط دهیم، لازم است نقش رفتار آحاد اقتصادی در مدل‌های رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. جزء پسماند حسابداری رشد که از آن به عنوان بهره‌وری کل عوامل تولید یاد می‌شود، پارامتری است که می‌تواند این پیوند بین رفتار آحاد اقتصادی و رشد اقتصادی کشورها را در چارچوب مدل‌های رشد اقتصادی تبیین نماید. این رویکرد به نوعی همسو با نگرش مدل‌های رشد درونزا است. در چارچوب نمونه‌ای از کشورهای جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ و با برآورد یک مدل تجربی رشد اقتصادی، ملاحظه شده است که شرایط رقابت‌پذیری آحاد اقتصادی برای آنها مناسب‌تر بوده است، به طور معناداری رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند. نتایج این پژوهش که از نظر مدل، دامنه مطالعه و نمونه انتخابی متفاوت از سایرین است، تأیید مجددی بر نتایج سایر مطالعات تجربی ارائه شده در این مقوله است. در مطالعات تجربی ارائه شده از سوی پژوهشگران مختلف در جهان، کشور ایران در سال‌های اخیر از جنبه وجود شرایط رقابتی

* مدرس دانشگاه و محقق بانک صنعت و معدن.

E-mail: naderi@bim.ir

** استادیار، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف.

E-mail: A_Sharbatoghlie@Shrif.edu

برای فعالیت مناسب بنگاه‌های تولیدی وضعیت بسیار نامناسبی داشته است. با توجه به عدم ابهام در مبانی نظری موضوع تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد، ایجاد بستر مناسب برای تصمیم‌گیری شفاف و صحیح بنگاه‌های تولیدی که در چارچوب سیاست‌گذاری رشد محقق خواهند شد، لازم و از وظایف اصلی دولت‌هاست. نقاط ضعف اساسی در انطباق شرایط جاری کشور با مبانی نظری رشد اقتصادی در سیاست‌گذاران، رشد اقتصادی در کشور وجود دارد. به این ترتیب لازم است برنامه‌ها و سیاست‌های مشخص برای حاکم کردن راهبردهای رشد افزای آزادی اقتصادی در برنامه‌های اقتصادی پیشنهادی احزاب سیاسی کشور (به طور عام) و دولت‌های حاکم به طور خاص نمود بیشتری پیدا کند. ایجاد شرایط آزادی اقتصادی برای فعالیت آزاد، شفاف و رقابتی بنگاه‌های تولیدی در کشور، یک جهت‌گیری مناسب و همسو با سیاست‌های رشد اقتصادی است که لازم است به صورت ویژه در سیاست‌های اقتصادی کشور نهادینه شود.

طبقه‌بندی JEL: E22, L23, L11, L16, L51, O47, O57, Y1.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، بهره‌وری کل عوامل تولید، مدل‌های رشد و تئوری اقتصادی، ایران.

مقدمه

براساس مطالعات انجام شده در متون اقتصادی، تعیین‌کننده‌های رشد اقتصادی کشورها علاوه بر عوامل اصلی تولید (کار و سرمایه)، مجموعه شرایطی است که استفاده کارآتر از عوامل تولید را در سطح بنگاه‌های اقتصادی عملی می‌سازند. مطالعات متعددی در چارچوب کلان اقتصادی و در قالب الگوهای رشد و نیز در چارچوب مطالعات خرد اقتصادی- که شرایط مدیریت بنگاه‌های تولیدی را در راستای ارتقای بهره‌وری عوامل تولید مورد توجه قرار می‌دهند- انجام شده است. آنچه مشخص است اینکه عملکرد یا روایی الگوهای رشد متفاوت از چارچوب فعالیت‌های بنگاه‌های تولیدی هر کشور نیست. به بیان دیگر، آحاد اقتصادی به طور عام و بنگاه‌های تولیدی به طور خاص سلولهای رشدآفرین پیکره مدل‌های رشد اقتصادی هستند. معمای رشد اقتصادی جوامع در چارچوب نظام کنونی جهان در گرو شرایطی است که با آن شرایط این سلولهای رشد آفرین ایجاد و نضج می‌یابند. در این پژوهش از جنبه نظری و تجربی موضوع شرایط محیطی فعالیت بنگاه‌های تولیدی با رویکرد آزادی اقتصادی و دلالت‌های این موضوع در مورد رشد اقتصادی کشورها را بررسی کرده‌ایم. پس از مقدمه، مبانی نظری موضوع مورد مطالعه از دیدگاه ادبیات اقتصادی و نتایج برخی از مطالعات تجربی در این مقوله را بررسی می‌کنیم. در این قسمت، به ویژه ارتباط شرایط آزادی اقتصادی با رشد اقتصادی به لحاظ نظری را مورد توجه قرار داده، وضعیت ایران را نیز از لحاظ شرایط آزادی اقتصادی مستند به برخی از مطالعات تجربی تشریح می‌کنیم. در قسمت دوم، برای تحلیل دقیق‌تر موضوع یک مدل تجربی رشد ارائه می‌کنیم. در قسمت سوم، نتایج برآورد مدل تجربی رشد (با در نظر گرفتن شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی) را با استفاده از اطلاعات و آمار نمونه‌ای از کشورهای مختلف در سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۴ ارائه و تحلیل می‌کنیم. در قسمت چهارم نیز جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی به دست آمده از نتایج این پژوهش را برای کشور ایران ارائه خواهیم کرد.

۱. مبانی نظری و ادبیات تجربی

مدل‌های رشد اقتصادی که بیشتر مبتنی بر واقعیات تجربی ارائه شده توسط نیکلاس کالدور (۱۹۶۳)^۱ است، سعی دارند که واقعیات تجربی و فهرست شده توسط کالدور را تبیین نمایند. وی در مطالعه تجربی خود واقعیات رشد اقتصادی کشورها را به شرح ذیل فهرست کرده است (برو (۱۹۹۵)^۲ و رمر (۱۹۹۶)^۳):

- تولید سرانه در طول زمان رشد کرده و نرخ رشد آن گرایش به تنزل ندارد،

1. Kaldor (1963)
2. Barro (1995)
3. Romer (1996)

- سرمایه فیزیکی سرانه هر کارگر در طول زمان افزایش می یابد،
- نرخ بازدهی سرمایه تقریباً ثابت است،
- نسبت سرمایه فیزیکی به تولید تقریباً ثابت است،
- سهم کارگر و سرمایه فیزیکی از درآمد ملی تقریباً ثابت است،
- نرخ رشد تولید سرانه کارگر در بین کشورهای مختلف اساساً متفاوت است.

واقعیت تجربی ارائه شده توسط کالدور در عمل مبنایی برای آزمون مدل‌های رشد اقتصادی شده‌اند. به بیان دیگر، مدل‌های مختلف رشد اقتصادی به منظور اثبات روایی خود لازم است واقعیات اقتصادی فهرست‌شده توسط نیکلاس کالدور را تبیین نمایند. مدل‌های مختلف رشد اقتصادی از مدل ساده رشد هارود-دومار گرفته تا مدل‌های رشد درونزا (که به تازگی مطرح شده و بر نقش بازدهی‌های فرآیند، فعالیت‌های پژوهش و توسعه، نیروی انسانی و پیشرفت فنی تأکید دارند) همگی سعی می‌کنند واقعیات رشد اقتصادی جوامع مختلف را به خوبی توضیح دهند. مدل‌های رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: مدل‌های رشد نئوکلاسیک و مدل‌های رشد درونزا.

مدل‌های رشد نئوکلاسیکی که تا سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ بر ادبیات رشد سیطره داشتند، بیشتر بر نقش انباشت سرمایه و تغییرات تکنولوژیک در رشد تأکید داشته‌اند. در الگوهای رشد درونزا اعتقاد بر این است که ساز و کارهای درونی یک اقتصاد که شرایط مناسبی شامل آموزش، پژوهش و توسعه و در بیان کلی، زیرساخت‌های مناسب اجتماعی را برای رشد تکنولوژی فراهم می‌آورند، در رشد اقتصادی نقش مؤثری دارند. به یقین، هدف ارائه‌دهندگان الگوهای رشد درونزا عدم توجه به عامل سرمایه نبوده، بلکه آنها در یک تحلیل عمیق‌تر به عوامل ایجادکننده تکنولوژی و ساز و کار رشد آن به عنوان منبع اصلی رشد اقتصادی تأکید دارند. به بیان دیگر، در الگوهای رشد درونزا علاوه بر عوامل سنتی مؤثر بر رشد (کار و سرمایه)، به طیفی از رویکردها و الزامات سیاسی-اجتماعی دیگر نظیر توسعه انسانی، ایجاد نظام تأمین اجتماعی، پژوهش و توسعه، شرایط مطلوب سیاسی تأکید می‌شود. مدل‌های رشد اقتصادی که در ابتدا براساس بینش استنباط شده از حسابداری اقتصادی شکل گرفته بودند، بر نقش نهاده‌های سنتی به ویژه تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی تأکید داشتند؛ اما با پیشرفت‌هایی که به تازگی در مطالعات رشد اقتصادی جوامع انجام شده و با رویکردی که در مدل‌های رشد درونزا به آن پرداخته شده است، می‌توان ارتباط منطقی بین مدل‌های رشد اقتصادی و تئوری رفتار آحاد اقتصادی جوامع ارائه کرد. به بیان دیگر، تئوری‌های رشد را می‌توان به تئوری‌های خرد اقتصادی (و به طور مشخص به رفتار آحاد اقتصادی در سطح خانوارها و بنگاه‌ها) پیوند زد. علاوه بر مباحثی که در چارچوب مدل‌های رشد درونزا به آنها پرداخته شده است، با استفاده از چارچوب حسابداری رشد نیز می‌توان بینشی از این نوع پیوند بین مبانی خرد رفتار بنگاه‌های تولیدی و رشد اقتصادی محقق شده در کشورها ارائه داد.

به طور مثال، فرض کنید همانند هاربرگر^۱ (۱۹۹۸) مزد یا پاداش هر نهاده را به عنوان یک متغیر مناسب در جذب سهم آن نهاده از تولید در نظر بگیریم. در این صورت معادله حسابداری اقتصادی رشد را می‌توان چنین نوشت:

$$\bar{P}\Delta Y = \bar{w}\Delta L + (\bar{\rho} + \delta)\Delta k + R \quad (1)$$

که در آن:

Δy : تغییر در تولید ناخالص داخلی،

ΔL : تغییر در نهاده نیروی کار،

\bar{P} : سطح کلی قیمت‌های اولیه،

\bar{w} : مزد واقعی اولیه،

$\bar{\rho}$: نرخ بازدهی واقعی سرمایه اولیه،

δ : نرخ واقعی استهلاک سرمایه،

Δk : تغییر در موجودی سرمایه،

R : پس ماند رشد که توسط تغییرات در نهاده‌های سنتی کار و سرمایه توضیح داده نشده است.

به عبارت ساده‌تر، معادله ۱ را بر حسب نرخ رشد می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\frac{\Delta y}{y} = \left(\frac{\bar{w}L}{\bar{P}y} \right) \cdot \frac{\Delta L}{L} + \left[\left(\frac{\bar{\rho} + \delta}{\bar{P}y} \right) \cdot \frac{k}{k} \right] \cdot \left(\frac{\Delta k}{k} \right) + \frac{R}{y} \quad (2)$$

براساس بررسی انجام شده توسط هاربرگر (۱۹۹۸)، پس ماند رشد (یا نسبت R/y) در رابطه ۲

جزء مهمی^۲ از رشد محصول اقتصادی کشورها را تشکیل می‌دهد. اگرچه توضیحات اولیه راجع به پس‌ماندهای رشد معطوف به پیشرفت‌های کاراندوز^۳ و سرمایه‌اندوز^۴ بوده است، اما پژوهش‌های

گسترده‌تر نشان داده است که ریشه اصلی افزایش نقش عامل پس ماند $\left(\frac{R}{y} \right)$ در رشد اقتصادی جوامع

1. Harberger (1998)

۲. ۵۰ درصد و بیشتر.

3. Labor Intensive

4. Capital Intensive

مختلف افزایش بهره‌وری و یا به بیان دیگر، کاهش در هزینه‌های واقعی تولید است. به عبارت بهتر، زمینه‌هایی که در آنها بهره‌وری عوامل تولید بالاست، هزینه‌های واقعی تولید کاهش می‌یابد و این امر باعث ایجاد فرصت‌های جذاب سرمایه‌گذاری می‌شود. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) سرمایه‌گذاری خود را در مناطق یا کشورهایی افزایش خواهند داد که از طریق کاهش در هزینه‌های واقعی تولید، سود بیشتری کسب نمایند.

با توجه به معادلات ۱ و ۲ ملاحظه می‌شود که ۵ ستون اصلی فرآیند رشد اقتصادی عبارتند از:

۱. نیروی کار،
۲. بازدهی نیروی کار،
۳. موجودی سرمایه،
۴. بازدهی سرمایه‌گذاری،
۵. پس ماند رشد.

اگر همانند هاربرگر (۱۹۹۸)، عامل پسماند رشد (به عنوان مهم‌ترین جزء در حسابداری رشد) را به صورت کاهش در هزینه‌های واقعی تبیین نماییم، ملاحظه می‌شود که از این ۵ ستون اصلی، حداقل سه ستون (نرخ سرمایه‌گذاری، نرخ بازدهی و کاهش در هزینه‌های واقعی) سه مورد اصلی از رویه‌های تصمیم‌گیری در سطح بنگاه‌های اقتصادی هستند. از این رو توجه ویژه بر رخدادهایی که روی تصمیم‌گیری بنگاه‌های اقتصادی هر کشور تأثیر گذارند، نقش قابل توجهی بر فرآیند رشد آن کشور خواهد داشت.

با چنین تفسیری، سیاست‌گذاری رشد در اقتصاد هر کشور رابطه بسیار نزدیکی با رفتار آحاد اقتصادی و شرایط فعالیت بنگاه‌های اقتصادی آن کشور خواهد داشت. به بیان دیگر، در سیاست‌های رشد اقتصادی دولت‌ها باید شرایطی را فراهم آورند که در آن شرایط آحاد جامعه و بنگاه‌ها قادر باشند به سرعت و به درستی فرصت‌های کاهش در هزینه‌های واقعی را پیش‌بینی کرده و براساس آن پیش‌بینی‌ها عمل نمایند. به بیان بهتر، دولت‌ها باید فرصت‌های لازم برای کاهش در هزینه‌های واقعی تولید را برای آحاد اقتصادی و از جمله بنگاه‌های تولیدی مهیا سازند. در این زمینه هاربرگر (۱۹۹۸) برخی دلالت‌های سیاستی برای هدایت آحاد اقتصادی به سوی روش‌های مختلف کاهش هزینه واقعی و در نتیجه، شتاب دادن رشد را به شرح زیر بیان کرده است:

۱. آحاد اقتصادی باید کاهش در هزینه‌های واقعی را لمس کنند. از این رو سیاست‌هایی که مانع این نوع درک و احساس واقعی هستند، در اصل در تضاد با رشد قرار دارند. به یقین، تورم‌های شدید^۱ جدی‌ترین خطر و مشهورترین مانع در راه این درک شفاف است. تورم شتابان علاوه

۱. در بیشتر مطالعات انجام شده روی رابطه بین تورم و رشد که این نوع رابطه خطی فرض شده است، نتایج متفاوتی از اثر تورم بر رشد به دست آمده است. در برخی مطالعات رابطه بین رشد و تورم منفی، در برخی خنثی و

- بر عدم شفافیت یادشده از طریق انحراف پتانسیل‌های موجود از فعالیت‌های مولد، کاهش تراز واقعی پول مردم و بنابراین تأثیر منفی بر مقدار واقعی اعتبارات بانکی بخش‌های تولیدی جامعه و نیز خروج سرمایه‌های مالی به خارج، یک مانع جدی برای رشد اقتصادی است؛
۲. کنترل‌های قیمتی نیز می‌تواند موجب عدم شفافیت و عدم درک فرصت‌های کاهش در هزینه‌های واقعی توسط آحاد اقتصادی جامعه شود. از این‌رو کنترل‌های قیمتی نیز همانند تورم مانع رشد سریع جوامع خواهد بود؛
۳. مقررات ناسالم و بروکراسی‌های مانع اقتصادی از مهم‌ترین عوامل تحمیل‌کننده هزینه‌های مازاد بر بنگاه‌های اقتصادی جوامع هستند. از این‌رو عدم شفافیت ناشی از ضعف در مقررات ناسالم و بروکراسی‌های ناسالم اداری به طور غیرمستقیم در تضاد با رشد اقتصادی قرار دارد؛
۴. حمایت‌های بی‌رویه و غیرمنطقی بنگاه‌ها و صنایع داخلی در مقابل استانداردهای بین‌المللی یکی دیگر از موانع است. بازشدن درهای تجارت بین‌المللی دو مزیت اصلی دارد؛ مزیت اول، تعطیل شدن بنگاه‌های ناکارآ از چرخه اقتصادی و تشویق بنگاه‌های موجود به رقابت برای افزایش کیفیت تولید و کاهش قیمت‌ها است؛ مزیت دوم، تسهیل شدن فرآیند انتقال تکنولوژی بین‌المللی به کشور است. هر دوی اینها در کاهش هزینه‌های واقعی و در نهایت، شتاب رشد اقتصادی بسیار مؤثرند؛

در برخی این رابطه مثبت برآورد شده است. تورم ملایم حداقل از سه کانال زیر می‌تواند رشد اقتصادی را به طور مثبت تحت تأثیر قرار دهد:

- مالیات تورمی و هدایت وجوه مربوطه توسط دولت به سمت سرمایه‌گذاری،
- نرخ بهره واقعی پایین و جذاب شدن سرمایه‌گذاری در شرایطی که نرخ‌های بهره اسمی متناسب با تورم افزایش نیابند،
- توهم پولی آحاد اقتصادی، کاهش نرخ‌های دستمزد واقعی و کاهش هزینه تمام شده تولیدات- تحریک تولید/سرمایه‌گذاری.

اما تورم‌های شدید با احتمال قوی روی رشد تأثیر منفی دارند. با توجه به این اثر به ظاهر متناقض تورم بر رشد، در سالهای گذشته بخشی از متون تجربی به بررسی رابطه غیرخطی تورم و رشد پرداخته‌اند. از این‌رو برخی مطالعات به دنبال نقطه بهینه (شکستی) از تورم در رابطه بین تورم و رشد هستند که از آن نقطه به بعد تورم بر رشد تأثیر منفی دارد. با این تفکر اگر چنین نقطه‌ای قابل دستیابی باشد، می‌تواند به عنوان یک نقطه هدف‌گذاری سیاستی انتخاب شود. مطالعاتی در این زمینه انجام شده است، از جمله نخستین مطالعات انجام شده در این خصوص می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

Sarel, Michel (1996). "Nonlinear Effects of Inflation on Economic Growth", *IMF Staff Papers*, 43(1), March, PP: 199-215

۵. خصوصی سازی و خارج کردن بنگاه‌های ناکارای دولتی از چتر حمایت‌های دولتی نیز در کاهش هزینه‌های واقعی و ایجاد بستر مناسب‌تر در رشد اقتصادی بسیار مؤثر است؛
۶. ایجاد نظام حقوقی و قانونی سالم که در چارچوب آن نظام، حقوق اقتصادی افراد حفظ شده، آحاد اقتصادی در مقابل ناامنی و خطراتی که ممکن است بر دارایی‌های آنها اعمال شود، ایمن شوند؛
۷. اجماع سیاسی مرتبط با خطوط کلی سیاستها و حرکات اقتصادی جامعه. بدین مفهوم که در نظام دموکراسی جوامع، رفرمهای سیاسی کمترین تأثیر منفی بر ثبات اقتصادی جامعه داشته باشند.

پورتر (۲۰۰۳)^۱ نیز زمینه‌های شکوفایی بنگاه‌های تولیدی را مبانی رقابت پذیری می‌بیند. وی در بررسی‌های متعددی که در این زمینه انجام داده است^۲، تعیین‌کننده‌های اصلی بهره‌وری و رشد بهره‌وری را در مبانی خرد و کلان رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در محیط ملی و بین‌المللی می‌داند. وی با تعریف ومحاسبه شاخصی با عنوان شاخص رقابت‌پذیری خرد اقتصادی برای کشورهای مختلف، ارتباط مثبت و قوی بین شاخص رقابت‌پذیری خرد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی سرانه را به دست آورده است. نتایج وی مؤید توصیه‌های سیاستی ارائه شده توسط هاربرگر (۱۹۹۸) است.

کوفمن، کرای و مستروزی (۲۰۰۵)^۳ در یک تحلیل تجربی کیفیت حاکمیتی دولت را که مرتبط با رشد اقتصادی است، از شش بعد مورد ارزیابی قرار داده‌اند: آزادی بیان^۴، بی‌ثباتی سیاسی و آشوب^۵، اثربخشی دولت^۶، کیفیت نظم دهی^۷، حاکمیت قانون^۸، کنترل فساد^۹. در این مطالعه ۲۰۹ کشور در سالهای ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. آنها دریافته‌اند که نتایج برآوردهای این شش بعد حاکمیتی در هر دوره برای هر یک از کشورها متفاوت بوده است. در نتیجه، بیان می‌کنند به رغم اینکه روند خاصی از بهبود یا تضعیف کیفیت حاکمیت در جهان ملاحظه نمی‌شود، کیفیت حاکمیت در برخی کشورها به طور معناداری (هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی) در حال تغییرند. همچنین، ارتباط مثبت و معناداری بین درآمد ملی و کیفیت حاکمیت ارائه می‌دهند، اما رابطه علی بین کیفیت حاکمیت دولت و رشد درآمد ملی را مورد مجادله قرار می‌دهند. به

1. Porter (2003)

۲. برای اطلاع بیشتر راجع به کارهای ایشان به تارنمای <http://www.isc.hbs.edu> مراجعه فرمایید.

3. Kaufmann, Kraay and Mastruzzi (2005)

4. Voice and Accountability

5. Political instability and Violence

6. Government Effectiveness

7. Regulatory Quality

8. Rule of Law

9. Control of Corruption

اعتقاد آنها علیت می‌تواند دو طرفه باشد؛ یعنی کیفیت مثبت حاکمیت دولت روی افزایش درآمد ملی مؤثر است و کشورهایی که درآمد بالاتری دارند نیز از کیفیت حاکمیت دولتی بهتری برخوردارند. کوفمن، کرای و مستروزی (۲۰۰۵) در مطالعه خود وضعیت کشورهای مختلف را از نظر کیفیت حاکمیت از ابعاد ششگانه آزادی بیان، بی‌ثباتی سیاسی و آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت نظم دهی، حاکمیت قانون و کنترل فساد بررسی کرده‌اند. شاخص‌های حاکمیتی در تعریف آنها ارتباط نزدیکی با مفهوم شاخص آزادی اقتصادی مورد نظر در این پژوهش دارد. در قسمت سوم از پیوست این مقاله نیز جایگاه ایران در نمودارهای منعکس شده در این مطالعه آورده شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود تقریباً در تمامی شاخصهای مطرح در این مطالعه، ایران در جایگاه پایین و موقعیتی ضعیف ارزیابی شده است. یافته‌های کوفمن، کرای و مستروزی (۲۰۰۵) را می‌توان تأکید مجددی بر توصیه‌های سیاستی هاربرگر (۱۹۹۸) استنباط کرد.

به تازگی کین و دیگران (۲۰۰۷)^۱ در مطالعه‌ای جامع، شواهدی را ارائه نموده‌اند که می‌تواند تأکید دیگری بر اعمال توصیه‌های سیاستی هاربرگر (۱۹۹۸) باشد. آنها برای ۱۵۷ کشور جهان ۱۰ عامل مشخص‌کننده آزادی اقتصادی را چنین مشخص می‌کنند: آزادی کسب و کار^۲، آزادی تجارت^۳، آزادی مالی^۴، آزادی از (قید و بند) دولت^۵، آزادی پولی^۶، آزادی سرمایه‌گذاری^۷، آزادی تأمین مالی^۸، حقوق مالکیت^۹، رهایی از فساد^{۱۰}، آزادی نیروی کار^{۱۱}. سپس، از ترکیب برآورد شاخص‌های دهگانه بالا، شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی را محاسبه کرده‌اند. بالاترین میزان قابل اکتساب این شاخص که ۱۰۰ است، نشان‌دهنده بالاترین سطح از آزادی اقتصادی است. هرچه این شاخص بالاتر باشد، نشان‌دهنده مداخله کمتر دولت در اقتصاد خواهد بود. در سال ۲۰۰۷ توزیع کشورها از نظر شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی در مطالعه آنها به شرح جدول ۱ بوده است.

1. Kane et al. (2007)
2. Business Freedom
3. Trade Freedom
4. Fiscal Freedom
5. Freedom from Government
6. Monetary Freedom
7. Investment Freedom
8. Financial Freedom
9. Property Rights
10. Freedom from corruption
11. Labor Freedom

جدول ۱- توزیع کشورهای جهان از نظر شاخص آزادی اقتصادی در مطالعه کین و دیگران (۲۰۰۷)

تعداد کشورهای واقع شده در گروه	گروه بندی ارائه شده	رقم شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی
۷	آزاد (پنجک اول)	۱۰۰-۸۰
۲۳	معمولاً آزاد (پنجک دوم)	۷۹٫۹-۷۰
۴۸	نسبتاً آزاد (پنجک سوم)	۶۹٫۹-۶۰
۵۹	معمولاً غیر آزاد (پنجک چهارم)	۵۹٫۹-۵۰
۲۰	سرکوب شده (پنجک پنجم)	۴۹٫۹-۰

مأخذ: اطلاعات جدول: کین و دیگران (۲۰۰۷)

در آن پژوهش، ضمن رتبه بندی کشورها از نظر آزادی اقتصادی، تحلیل‌های جالبی از وضعیت مناطق مختلف جهان و دلالت‌های مربوط به آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف ارائه شده است. برخی از دلالت‌های اقتصادی نتایج آن پژوهش که با موضوع رشد اقتصادی ارتباط دارند، عبارتند از:

۱. کشورهایی که بالاترین شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی را داشته‌اند (پنجک اول)، براساس آخرین آمارهای موجود حدود دوبرابر کشورهای پنجک دوم و بیش از ۵ برابر کشورهای پنجک پنجم، رشد GDP سرانه را تجربه کرده‌اند.
۲. کشورهایی که بالاترین شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی را داشته‌اند، کمترین نرخ تورم و بیکاری را تجربه کرده‌اند. این نتایج در هریک از پنجک‌های جدول ۱ نیز حفظ شده است. این امر بدین معناست که در هریک از پنجک‌ها، کشورهایی که شاخص آزادی اقتصادی پایین‌تری دارند، نرخهای تورم و بیکاری بالاتری را نسبت به کشورهای دیگر موجود در پنجک تجربه کرده‌اند.

وضعیت ایران در مقوله آزادی اقتصادی در مطالعه کین و دیگران (۲۰۰۷)

همان‌طور که از اطلاعات جدول ۲ مشخص است، در رتبه بندی انجام شده در مطالعه کین و دیگران (۲۰۰۷)، در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ رتبه ایران همواره در پایین‌ترین رده یعنی گروه کشورهای سرکوب شده به لحاظ آزادی اقتصادی قرار گرفته است (جدول ۱ را ملاحظه فرمایید). نمودار ۱ نیز نشان می‌دهد که شاخص آزادی اقتصادی محاسبه شده برای کشور ایران همواره پایین‌تر از متوسط جهانی قرار داشته است.

جدول ۲- وضعیت کشور ایران در شاخص‌های محاسبه شده توسط کین و دیگران (۲۰۰۷)

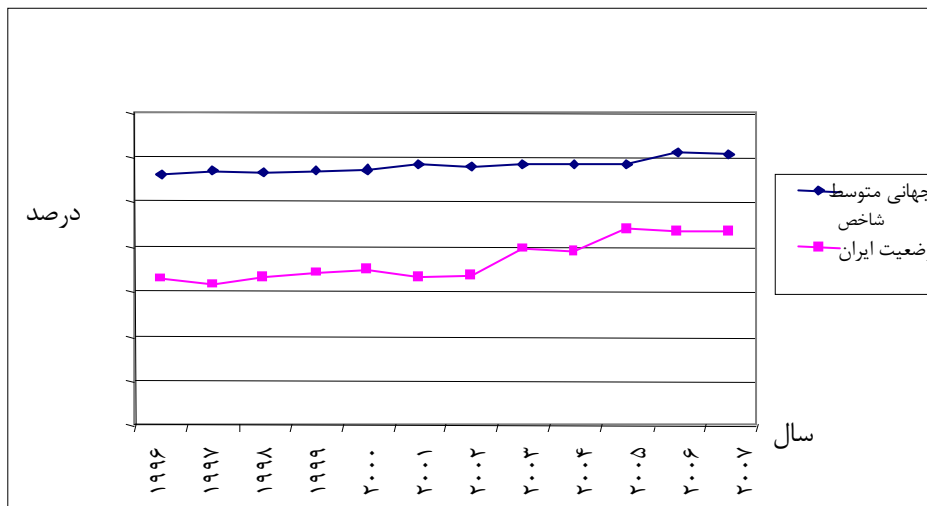
رتبه کشور ایران	Labor	Corruption	Property Rights	Financial	Investment	Monetary	Govt	Fiscal	Trade	Regulation	Total Score	شاخص کل و زیر شاخصها
												سال
۱۳۵ از ۱۴۳	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۱/۳	۷۳/۱	۶۱/۰	۴۰/۰	۳۰	۳۲/۸	۱۹۹۶
۱۴۷ از ۱۵۷	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۴۳/۷	۶۹/۸	۶۱/۰	۴۰/۰	۳۰	۳۱/۶	۱۹۹۷
۱۶۲ از ۱۵۱	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۴۸/۰	۶۹/۶	۶۱/۰	۵۰/۰	۳۰	۳۲/۲	۱۹۹۸
۱۶۲ از ۱۵۴	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۴/۶	۶۹/۳	۶۰/۹	۵۰/۹	۳۰	۳۴/۰	۱۹۹۹
۱۵۷ از ۱۵۱	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷/۶	۷۷/۲	۶۰/۹	۴۶/۴	۳۰	۳۴/۷	۲۰۰۰
۱۵۷ از ۱۵۱	-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷/۳	۷۲/۲	۶۰/۹	۵۷/۰	۱۰	۳۳/۰	۲۰۰۱
۱۵۷ از ۱۴۹	-	۰/۰	۱۰	۱۰	۳۰	۵۹/۶	۷۷/۳	۶۰/۶	۴۲/۱	۱۰	۳۳/۳	۲۰۰۲
۱۵۶ از ۱۵۰	-	۰/۰	۱۰	۱۰	۳۰	۶۲/۳	۸۷/۹	۷۶/۲	۶۷/۸	۱۰	۳۹/۴	۲۰۰۳
۱۵۶ از ۱۴۵	-	۰/۰	۱۰	۱۰	۳۰	۶۱/۷	۷۶/۹	۷۶/۱	۷۳/۸	۱۰	۳۸/۷	۲۰۰۴
۱۵۸ از ۱۴۷	۵۵/۰	۳۰/۰	۱۰	۱۰	۳۰	۶۰/۱	۷۲/۶	۸۷/۵	۷۳/۸	۱۰	۴۳/۹	۲۰۰۵
۱۵۸ از ۱۵۱	۶۱/۵	۲۹/۰	۱۰	۱۰	۱۰	۶۰/۴	۵۹/۶	۸۵/۷	۵۰/۴	۵۶/۶	۴۳/۳	۲۰۰۶
۱۵۷ از ۱۴۷	۶۱/۳	۲۹/۰	۱۰	۱۰	۱۰	۶۱/۳	۵۹/۸	۸۴/۸	۵۰/۴	۵۴/۹	۴۳/۱	۲۰۰۷

مأخذ: کین و دیگران (۲۰۰۷)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه متغیرهای مرتبط با آزادی اقتصادی، کشور ایران جایگاه مناسبی را ندارد. وضعیت ایران از لحاظ شرایط آزادی اقتصادی در مقایسه با متوسط جهان در دهه گذشته همواره شکاف معناداری داشته است.

* افزایش این شاخص از سال ۲۰۰۵ به بعد به دلیل تعریف زیر شاخص جدید مربوط به آزادی نیروی کار است.

نمودار-۱. مقایسه روند شاخص آزادی اقتصادی در ایران با متوسط جهان (۱۹۹۹-۲۰۰۷)



مأخذ: کین و دیگران (۲۰۰۷)

جمع‌بندی مبانی نظری

همان‌طور که ملاحظه شد، در متون اقتصادی مدل‌های رشد درونزا بر طیفی از رویکردها و الزامات سیاسی-اجتماعی دیگر نظیر توسعه انسانی، ایجاد نظام تأمین اجتماعی، پژوهش و توسعه، شرایط مطلوب سیاسی تأکید خاصی دارند. با استفاده از معادله حسابداری رشد نیز ملاحظه شد که عامل پسماند رشد نقش قابل توجهی در تبیین وضعیت رشد اقتصادی جوامع مختلف داشته است. از دیدگاه اقتصادی هنگامی که عامل پسماند رشد با عنوان کاهش در هزینه‌های واقعی تولید تعبیر شود، عوامل متعددی در کاهش آن و در نتیجه، افزایش رشد می‌تواند نقش ایفا نمایند. به بیان دیگر، هزینه واقعی می‌تواند به هزار و یک دلیل مختلف کاهش یابد؛ تمامی این دلایل و راه‌های نیل به این منظور در سطح تصمیم‌گیری‌های بنگاه‌های تولیدی و شرایط رقابتی بنگاه‌ها در محیط ملی و بین‌المللی قابل تجسم است. ذکر شد سیاست‌های اقتصادی و حاکمیتی دولت‌ها باید به مواردی معطوف شود که آحاد اقتصادی قادر باشند در یک محیط سالم و رقابتی رفتارهای تولید و سرمایه‌گذاری خود را شکل دهند. این سیاست‌ها به طور خلاصه شامل موارد زیر است:

۱. ایجاد شرایط سالم رقابت در عرصه اقتصاد ملی و بین‌المللی،
۲. ایجاد شرایط ثبات اقتصادی.

در جمع‌بندی این موارد ملاحظه می‌شود که در کنار فراهم بودن عوامل اصلی تولید (کار و سرمایه)، ایجاد شرایط سالم برای بروز ظرفیت‌های بالقوه بنگاه‌های تولیدی و مدیریت کارای آنها ضروری است. به عبارت بهتر، آنچه در نظریه‌های رشد به عنوان ستون‌های اصلی رشد اقتصادی به آنها تأکید شد و مطالعات تجربی نیز توصیه‌های سیاستی مرتبط با آنها را مورد تأکید قرار داده است، در شرایط تصمیم‌گیری مدیریت بنگاه‌های تولیدی محقق می‌شوند.^۱

رویکرد توجه به نقش رفتاری آحاد اقتصادی در رشد در نظریه‌های رشد جدید درونزا به نوعی مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، با نگرشی جدید بر حسابداری رشد نیز می‌توان اهمیت نقش رفتاری و آزادی عمل آحاد اقتصادی و به ویژه بنگاه‌ها در تحقق رشد اقتصادی را تبیین کرد. در قسمت دوم این نوشتار سعی کرده‌ایم با استفاده از اطلاعات موجود تأییدی تجربی برای این مطالب نظری (نقش تعیین کننده آزادی اقتصادی آحاد اقتصادی بر رشد) در قالب نمونه‌ای از کشورهای جهان جستجو کنیم.

۲. ارائه مدل به منظور بررسی تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد

اقتصادی

با استفاده از دیدگاهی که از مبانی نظری مرور شده در قسمت قبل به دست آورده‌ایم و با استفاده از اطلاعات آماری متغیرهای کلان مربوط به کشورهای مختلف در نمونه‌ای جهانی، قصد داریم در این قسمت اثر شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف را به صورت تجربی و در چارچوب یک مدل رشد اقتصادی آزمون نماییم. تحلیل موضوع در چارچوب مدل رشد اقتصادی از دوجنبه برای ما حائز اهمیت است: ۱) ارتباط دادن مدل‌های رشد با مبانی رفتاری بنگاه‌های اقتصادی در شرایط محیطی اقتصاد، ۲) ارائه الگوی جدیدی از مطالعه تجربی موضوع ارتباط بین شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی. نمونه استفاده شده برای تحلیل‌های تجربی این فصل تمام کشورهای هستند که اطلاعات آماری آنها در بسته آماری بانک جهانی^۲ و کین و دیگران (۲۰۰۷) موجود بوده است. این مجموعه شامل ۱۶۱ کشور جهان است^۳ که مجموعه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در

۱. می‌توان توصیه‌های اخلاقی مکاتب آسمانی در زمینه ایجاد شرایط رقابتی سالم برای فعالیت تولیدی آحاد اقتصادی را نیز به عنوان تأییدی اخلاقی بر این توصیه‌های تئوریک مورد تأمل قرار داد. به عنوان مثال به موارد ذیل از آیات قرآن مجید مراجعه نمایید (اعداد ذکر شده در گروه از سمت چپ به راست به ترتیب دلالت بر شماره سوره و شماره آیه ذکر شده در آن سوره از قرآن مجید دارند): [۱۱:۸۵]، [۶:۱۵۲]، [۱۷:۳۵]، [۲:۱۸۸]، [۵:۸]، [۲۵:۷۲]، [۳۳:۲۴]، [۳:۱۶۱]، [۵:۶۳].

2. World Bank (2006)

۳. اسامی این کشورها در پیوست مقاله ارائه شده است.

مناطق مختلف جهان را در بر می‌گیرد. در زمان نگارش این نوشتار اطلاعات همگن سری‌های زمانی مورد نیاز در برآورد مدل‌های استفاده شده، حداکثر در محدوده سالهای ۱۹۶۰-۲۰۰۴ از مجموعه‌های آماری یادشده قابل استخراج بوده است. برای ارائه تحلیل دقیق‌تر در این زمینه، معادله رشد اقتصادی را برای تعدادی از کشورهای نمونه که در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۴ اطلاعات مربوط به متغیرهای مدل برای آنها موجود بوده است و با استفاده از داده‌های تابلویی^۱ و نیز داده‌های مقطعی^۲ (برای کشورهای نمونه در هر یک از سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۴) برآورد می‌کنیم. بدین منظور از چارچوب ذیل - که نسخه‌ای تعدیل شده از چارچوب پیشنهادی برو (۱۹۹۷)^۳ و نسخه بسط یافته‌ای از مدل نئوکلاسیک رشد اقتصادی است استفاده می‌کنیم. در این چارچوب، معادله رشد اقتصادی عبارتست از:

$$Dy_t = f(y, y^*) \quad (3)$$

در این رابطه، Dy_t رشد تولید واقعی سرانه، y سطح جاری تولید واقعی سرانه و y^* تولید حالت یکنواخت^۴ است. Dy_t نسبت به y نزولی و نسبت به y^* صعودی است. ارزش سطح تولید حالت یکنواخت یا y^* به برداری از متغیرهای انتخاب و متغیرهای محیطی بستگی دارد. انتخاب‌های بخش خصوصی شامل نرخ پس‌انداز و عرضه نیروی کار و نرخهای باروری است که انتخاب هر کدام به ترجیحات و تحلیل منفعت هزینه خانوارها بستگی دارد. انتخابهای دولت نیز شامل توزیع بودجه بین موارد مختلف مصرف آن، نرخهای مالیات، میزان مداخله در بازارها و تصمیم‌گیری‌های تجاری، حفظ و بقای قانون و حقوق مالکیت و درجه آزادی سیاسی است. متغیرهای محیطی نیز متغیرهایی نظیر رابطه مبادله، نرخ تورم^۵ و شرایط آزادی اقتصادی رورروری آحاد اقتصادی (که براساس آن شرایط قادر باشند تصمیمات و در نتیجه رفتارهای اقتصادی خود شامل باروری، پس‌انداز، مصرف، سرمایه‌گذاری، اشتغال و جز اینها را براساس اطلاعات صحیح شکل دهند) می‌باشند. برای ارزش‌های معینی از متغیرهای انتخاب و متغیرهای محیطی (و از این رو مقدار معینی از y^*) یک سطح اولیه بالاتر از تولید سرانه دلالت بر نرخ رشد سرانه پایین‌تر دارد. البته، این امر با بحث همگرایی شرطی تناقضی نداشته، چرا که

1. Pooling data
2. Cross section Data
3. Barro (1997)
4. Steady state

۵. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده روی رابطه بین تورم و رشد که این نوع رابطه خطی فرض شده است، نتایج متفاوتی از اثر تورم بر رشد به دست آمده است. در برخی مطالعات رابطه بین رشد و تورم منفی، در برخی خنثی و در برخی این رابطه مثبت برآورد شده است. با این بینش تورم احتمالاً اثری غیر خطی بر رشد دارد؛ یعنی در نرخهای پایین اثر مثبت بر رشد دارد و در نرخهای بالا اثری منفی بر رشد دارد. در این مطالعه رابطه بین تورم و رشد در الگوی مورد استفاده خطی فرض شده است. این موضوع خللی به رویکرد اصلی مدل استفاده شده وارد نمی‌سازد.

کشورهای فقیر اگر در موقعیت پایین‌تری از سطح رشد حالت یکنواخت قرار داشته باشند، سریع‌تر رشد نخواهند کرد.

۳. نتایج برآورد مدل و تحلیلهای آماری

نتایج برآورد مدل با استفاده از اطلاعات موجود برای نمونه در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۴ به دو روش زیر ارائه می‌شود:

۳-۱. برآورد معادله رشد برای کل دوره با استفاده از داده‌های تابلویی. نتایج برآورد مدل در این حالت به صورت جدول ۳ قابل نمایش است.

جدول ۳- نتایج مربوط به برآورد معادله رشد در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۴ با در نظر گرفتن اثر شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی

متغیرهای مستقل	ضرائب	آماره t
(۱) شرایط اولیه سطح تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۹۹	۰/۰۹۵	۶/۳۵
(۲) متغیرهای تعیین کننده نرخ رشد حالت یکنواخت		
نیروی انسانی	۰/۰۰۵	۲/۳۲
نرخ باروری	-۰/۱۲۷	-۱/۳۳
امید به زندگی	۱/۷	۷/۷۲
پس انداز ملی	۰/۰۱۶	۷/۱۱
هزینه‌های دولت	۰/۰۳۹	۷/۶۹
نرخ تورم	۰/۰۰۶	۲/۷۳
آزادی اقتصادی	۲/۱۰	۱۳/۲۶
R^2 تعدیل یافته:	۹۴/۶۶ درصد	
تعداد مشاهدات:	۳۵۴ مشاهده	
تعداد کشورهایی که اطلاعات و آمار برای آنها موجود بوده است:	۱۱۰ کشور از ۱۶۱ کشور نمونه	

توضیح:

- متغیر وابسته لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی به قیمت‌های سال ۲۰۰۰ بوده که بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) تعدیل شده است.
- ارقام مربوط به عرض از مبدأها در ۶ مقطع زمانی مختلف ارائه نشده است.
- ارقام گرد شده‌اند.

۴. برای مشاهده جزئیات محاسبه، به پیوست مقاله مراجعه کنید.
۵. متغیر نرخ باروری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نبوده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود متغیر مربوط به شاخص آزادی اقتصادی تأثیر بسیار قوی مثبت و معناداری را بر رشد اقتصادی مدل ارائه کرده است.

شرح جدول ۳

متغیر وابسته:

متغیر وابسته لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰ در دوره‌های ۶ ساله ۱۹۹۹-۲۰۰۴ برای کشورهای نمونه بوده که براساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) تعدیل شده است.

متغیرهای مستقل:

لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰ در سال ۱۹۹۹ (که بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) تعدیل شده است) به عنوان شرایط اولیه، نسبت دانش آموزان مذکر مرحله دوم آموزش به کل دانش‌آموزان در هر دوره به عنوان معیار نیروی انسانی، لگاریتم نرخ باروری، لگاریتم نرخ امید به زندگی، نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی، نسبت هزینه‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، لگاریتم شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی.

اطلاعات آماری و روش برآورد:

شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی از کین و دیگران (۲۰۰۷) گرفته شده است. آمار و اطلاعات مربوط به سایر متغیرها از بانک جهانی (۲۰۰۶) گرفته شده است. برآورد مدل آثار ثابت^۱ داده‌های تابلویی نیز به روش حداقل مربعات وزنی (WLS) اعمال شده است.

۲-۳. برآورد معادله رشد برای هریک از سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۴ با استفاده از مدل

سیستمی (پویایی مدل):

با توجه به وجود ابهام در کارهای تجربی در مورد علیت رابطه شاخص آزادی اقتصادی و رشد تولید ناخالص داخلی و یا درونزا بودن برخی از متغیرها و نیز به دلیل ملاحظه ثبات مدل در طول زمان، مدل

1.Fixed Effect

رشد ارائه شده به صورت سیستمی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. در جدول ۴ نتایج برآورد پویای مدل ارائه شده است. چنانکه ملاحظه می شود شاخص آزادی اقتصادی در تمامی سالها تأثیر مثبت و معناداری بر روند رشد اقتصادی کشورهای نمونه داشته است. از نتایج برآورد مدل‌های روش اول و دوم چنین استنباط می شود که شاخص آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و پایداری بر روند رشد اقتصادی کشورهای نمونه داشته است.

جدول ۴- پویایی مدل برای سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۴

سال/ضرایب و آماره t	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
متغیر مستقل	ضرب (و آماره t)	ضرب (و آماره t)	ضرب (و آماره t)	ضرب (و آماره t)	ضرب (و آماره t)	ضرب (و آماره t)
ثابت رگرسیون	-۳۳/۹۳ (-۴/۱۱)	-۸/۴۷ (-۳/۹۳)	-۲۲/۱۶ (-۵/۶)	-۱۱/۰۷۳ (-۵/۲۲)	-۸/۶۵ (-۳/۷۱۸)	-۱۳/۷۲ (-۳/۹۷)
(۱) شرایط اولیه						
سطح تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۹۹	۰/۰۲۱* (۰/۴۶)	۰/۱۱۶ (۳/۵۵)	-۰/۰۱۵* (-۰/۳۷۵)	۰/۰۷۹ (۲/۵۶)	۰/۰۸۶ (۲/۴۹)	-۰/۱۳۴* (۱/۸۳)
(۲) متغیرهای تعیین کننده نرخ رشد حالت یکنواخت						
نیروی انسانی	۰/۰۰۶* (۰/۷۳)	۰/۰۰۷* (۱/۴۴)	۰/۰۲۲ (۳/۲۶)	۰/۰۰۲* (۰/۵۶)	۰/۰۰۳* (۰/۶۲)	۰/۰۰۳* (۰/۵۴)
نرخ باروری	۰/۲۳۶* (-۰/۵۷)	-۰/۱۱۲* (-۰/۴۹۶)	۰/۳۲* (۱/۳۴)	-۰/۲۶۹* (-۱/۵۲)	-۰/۳۹۷* (-۱/۹۲)	-۰/۰۹* (-۰/۳۲)
امید به زندگی	۷/۷۲ (۳/۴۸)	۱/۳۲ (۲/۹۳)	۷/۶ (۴/۹۴)	۱/۸۳ (۴/۳۵)	۱/۳۴ (۲/۶۹)	۲/۷۲ (۴/۷۶)
پس انداز ملی	۰/۰۲۱ (۲/۱۸)	۰/۰۱۳ (۲/۸)	۰/۰۱۷ (۲/۴۳)	۰/۰۱۵ (۳/۴۲)	۰/۰۱۲ (۲/۵۳)	۰/۰۱۳ (۱/۹۲)
هزینه‌های دولت	۰/۰۲۵ (۱/۳۴)	۰/۰۴۳ (۳/۹۳)	۰/۰۰۹* (۰/۶۲)	۰/۰۴۱ (۴/۳۳)	۰/۰۴۳ (۳/۸۶)	۰/۰۰۳* (۰/۱۹)
نرخ تورم	۰/۰۰۲* (۰/۲۶)	۰/۰۰۳* (-۰/۷۳)	۰/۰۱۵* (۱/۴۲)	۰/۰۱۴ (۳/۹۸)	۰/۰۰۶* (-۰/۶۴)	۰/۰۰۸* (۱/۰۰)
آزادی اقتصادی	۱/۹۶۶ (۳/۰۳۶)	۱/۸۲۶ (۵/۹۴)	۱/۵۷ (۳/۱۶)	۲/۲۵ (۶/۹۴)	۲/۱۶ (۵/۴۹)	۱/۶۷ (۳/۰۷)
تعدیل شده R ²	۰/۸۴	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۸۳
تعداد مشاهدات	۲۹	۸۶	۳۰	۹۴	۸۰	۳۵

توضیح:

- متغیر وابسته لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی به قیمت‌های سال ۲۰۰۰ بوده که بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) تعدیل شده است.

۲. سایر متغیرها و اطلاعات مدل متغیرهای مدل همانند شرح جدول ۳ است، با این تفاوت که روش برآورد سیستم معادلات حداقل مربعات وزنی دو مرحله‌ای (WTSLS) انتخاب شده است.
۳. متغیرهایی که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیستند با علامت (*) مشخص شده‌اند.
۴. برای مشاهده جزئیات محاسبه، به پیوست مقاله مراجعه کنید.
۵. ارقام گرد شده‌اند.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

در این پژوهش ضمن مروری بر ادبیات رشد اقتصادی، تلاش کرده‌ایم رویکرد مدل‌های رشد اقتصادی به متغیرهای رفتار آحاد اقتصادی پیوند زده شوند. اگر قرار باشد رویکرد مدل‌های رشد اقتصادی را به تئوری اقتصاد ارتباط دهیم، لازم است نقش رفتار آحاد اقتصادی در مدل‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. ملاحظه شد که جزء پسماند رشد که از آن به عنوان بهره‌وری کل عوامل تولید یاد می‌شود نیز پارامتری است که می‌تواند این پیوند بین رفتارهای اقتصادی آحاد جامعه و رشد اقتصادی کشورها را در چارچوب مدل‌های رشد اقتصادی تبیین نماید. این رویکرد همسو با رویکرد مدل‌های رشد درونزا است. با این بینش، جوامعی که شرایط بهتری را به لحاظ آزادی، شفافیت و ثبات اقتصادی برای آحاد جامعه به ویژه بنگاه‌های تولیدی فراهم آورند، زمینه تسریع در رشد اقتصادی را فراهم کرده‌اند. از این‌رو رویکردهای مشخصی برای سیاست‌گذاری در مقوله رشد اقتصادی قابل ارائه است. در برآوردهای تجربی این نوشتار نیز موضوع ارتباط بین شاخص آزادی اقتصادی و رشد به صورت آماری و در چارچوب یک مدل رشد اقتصادی مورد ارزیابی داده‌ایم. نتایج ضمن تأیید بار دیگر مطالعات گذشته در مورد ارتباط قوی بین شاخص آزادی اقتصادی و رشد در چارچوب نمونه و مدلی مجزا موضوع را با رویکردی جدید مورد توجه قرار داده است.^۱ با توجه به نتایج مدل تصریح و برآورده شده در این نوشتار، همانند مطالعات دیگر ارتباط بسیار قوی و مثبت بین شرایط آزادی اقتصادی و افزایش سطح تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی ملاحظه شده است. در واقع، چارچوب‌های نظری و تجربی کاملاً شفاف و روشن است. با توجه به وضعیت نامناسب ایران از نظر شاخص‌های مرتبط با آزادی اقتصادی، ضعف‌های اجرایی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی- اجتماعی مرتبط با رشد در کشور کاملاً مشهود است. با توجه به اینکه در مطالعات انجام شده، کشور ایران وضعیت مناسبی در زمینه شاخص‌های مرتبط با آزادی اقتصادی ندارد، لازم است برنامه‌ها و سیاست‌های مشخص برای حاکم کردن راهبردهای رشد افزای آزادی اقتصادی، در

۱. از این نظر که موضوع رفتار اقتصادی آحاد جامعه در چارچوب مدل‌های رشد مورد توجه قرار گرفته است و نیز از جنبه نمونه و دوره مورد بررسی چارچوب تجربی نوشتار با سایرین متفاوت است.

برنامه‌های اقتصادی پیشنهادی احزاب سیاسی کشور (به طور عام) و دولتهای حاکم به طور خاص نمود بیشتری پیدا کند. ظاهراً رویکرد اصلی این راهبردها این است که همراه با خصوصی‌سازی، زمینه‌سازی لازم برای برخورداری آحاد اقتصادی به ویژه تولیدکنندگان از آزادی، شفافیت و امنیت اقتصادی مهیا شود. این رویکرد نیز با نیت نهادینه‌کردن شرایط آزادی عمل، شفافیت و امنیت اقتصادی برای برخورداری بنگاه‌های تولیدی از شرایط آزادی اقتصادی، باید در بطن سیاستهای اقتصادی کشور فرآیندی پویا و مستمر باشد.

نتایج مشخص این پژوهش بر خصوصی‌سازی به عنوان بستر اصلی ایجاد شرایط شکل‌گیری و نضج بنگاه‌های تولیدی به عنوان سلولهای رشد آفرین کشور، توأم با ایجاد شرایط آزادی، شفافیت (مبتنی بر اطلاعات صحیح) و امنیت برای آزادی عمل ورود و خروج آنها به چرخه اقتصاد کشور تأکید دارد. راهبردهای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد خصوصی‌سازی و ابلاغ سیاستهای راهبردی بند "ج" اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری جهت‌گیری‌های اصلی را در این زمینه مشخص کرده است. اجرایی کردن این راهبردها به منظور شکل‌گیری بخش خصوصی توانمند در کشور، با ایجاد پیش‌زمینه‌های لازم برای تحقق زمینه‌های مرتبط با مقوله آزادی اقتصادی برای بنگاه‌های تولیدی و نهادینه‌کردن موضوع در ساختار سیاستهای اقتصادی کشور هنر دولتمردان حاکم خواهد بود.

آحاد اقتصادی به ویژه سرمایه‌گذاران باید قادر باشند فرصت‌های اقتصادی را به موقع و بر اساس اطلاعات صحیح و شفاف شناسایی نمایند و براساس بینشی صحیح و به موقع عوامل سنتی تولید (کار و سرمایه) را به سمت آن فرصتها هدایت نمایند. فرصتهای اقتصادی نیز مطابق با ادبیات مرورشده در این پژوهش، چیزی غیر از فرصتهای کاهش در هزینه‌های واقعی تولید (یا مترادف آن افزایش در بهره‌وری عوامل تولید) نیست. از این‌رو، علاوه بر اهمیت لزوم شکل‌گیری بخش خصوصی توانمند در اقتصاد، سیاستهایی که مانع این نوع درک صحیح آحاد بخش خصوصی از فرصتهای اقتصادی است، ماهیتاً با رشد اقتصادی در تضادند. در کنار سیطره بیش از حد دولت بر فعالیتهای اقتصادی، تورم‌های فزاینده، انواع مختلف کنترل‌های قیمتی (از کنترل قیمت حامل‌های انرژی گرفته تا سودهای بانکی)، مقررات ناسالم و بروکراسی‌های مانع اقتصادی، حمایت‌های بی‌رویه و غیرمنطقی از برخی صنایع یا بنگاه‌های داخلی در مقابل استانداردهای بین‌المللی، عدم وجود نظام حقوقی و قانونی سالم و کافی برای صیانت از حقوق اقتصادی سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) در مقابل مخاطرات و ناامنی‌های سیاسی-اجتماعی، عدم وجود اجماع سیاسی در ارتباط با محورهای اصلی حرکت اقتصادی کشور و برخی تغییرات بنیادین در سیاست‌های کلان اقتصادی متعاقب اصلاحات سیاسی از جمله موانع موجود برای تحقق شرایط مناسب آزادی اقتصادی بنگاه‌های تولیدی، و در نتیجه، موانع اصلی رشد اقتصادی کشورند.

منابع

- Barro, Robert J. (1995). "Economic Growth". *McGraw-Hill, Inc.*
- Barro, Robert J. (1997). "Determinants of Economic Growth: A Cross Country Empirical Study". *Cambridge MA, MIT Press.*
- Harberger, Arnold C. (1998). "A Vision of Growth Process". *the American Economic Review*. March 1998.
- Kaldor, N. (1963). "Capital Accumulation and Economic Growth". In *Fredrich A. Lutz and Douglas C. Hague, eds., Processing of Conference.*
- Kane et al. (2007). "2007 Index of Economic freedom". *Heritage Foundation/the Wall Street Journal.*
- Kaufmann Daniel, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi (2005). "Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005". *World Bank.*
- Porter, Michel E. (2003). "Building the Microeconomic Foundations of Prosperity: Findings from the Microeconomic Competitiveness Index". *The Global Competitiveness Report 2002-2003, P. Cornelius (ed.), New York: Oxford University Press.*
- Romer, Daivid (1996). "Advanced Macroeconomics". *McGraw-Hill Inc.*
- Sarel, Michel (1996). "Nonlinear Effects of Inflation on Economic Growth". *IMF. Staff Papers*, 43(1). March, PP: 199-215
- World Bank (2006). "World Development Indicators".

پیوستها:

۱. اسامی کشورهایی که در نمونه آماری مطالعه بررسی شده‌اند:

Albania	Fiji	Moldova	Turkey
Algeria	Finland	Mongolia	Turkmenistan
Angola	France	Morocco	Uganda
Argentina	Gabon	Mozambique	Ukraine
Armenia	Gambia, The	Namibia	United Arab Emirates
Australia	Georgia	Nepal	United Kingdom
Austria	Germany	Netherlands	United States
Azerbaijan	Ghana	New Zealand	Uruguay
Bahamas, The	Greece	Nicaragua	Uzbekistan
Bahrain	Guatemala	Niger	Venezuela, RB
Bangladesh	Guinea	Nigeria	Vietnam
Barbados	Guinea-Bissau	Norway	Yemen, Rep.
Belarus	Guyana	Oman	Zambia
Belgium	Haiti	Pakistan	Zimbabwe
Belize	Honduras	Panama	
	Hong Kong,	Papua New	
Benin	China	Guinea	
Bolivia	Hungary	Paraguay	
Bosnia and			
Herzegovina	Iceland	Peru	
Botswana	India	Philippines	
Brazil	Indonesia	Poland	
Bulgaria	Iran, Islamic Rep.	Portugal	
Burkina Faso	Iraq	Qatar	
Myanmar	Ireland	Romania	
		Russian	
Burundi	Israel	Federation	
Cambodia	Italy	Rwanda	
Cameroon	Jamaica	Samoa	
Canada	Japan	Saudi Arabia	
Cape Verde	Jordan	Senegal	
Central African		Serbia and	
Republic	Kazakhstan	Montenegro	
Chad	Kenya	Sierra Leone	
Chile	Korea, Dem. Rep.	Singapore	
China	Korea, Rep.	Slovak Republic	
Colombia	Kuwait	Slovenia	
Congo, Dem. Rep.	Kyrgyz Republic	Somalia	

Congo, Rep.	Latvia	South Africa
Costa Rica	Lebanon	Spain
Croatia	Lesotho	Sri Lanka
Cuba	Libya	Sudan
Cyprus	Lithuania	Suriname
Czech Republic	Luxembourg	Swaziland
Denmark	Macedonia, FYR	Sweden
Djibouti	Madagascar	Switzerland
Dominican Republic	Malawi	Syrian Arab Republic
Ecuador	Malaysia	Tajikistan
Egypt, Arab Rep.	Mali	Tanzania
El Salvador	Malta	Thailand
Equatorial Guinea	Mauritania	Togo
Estonia	Mauritius	Trinidad and Tobago
Ethiopia	Mexico	Tunisia

۲. خروجی نرم افزار Eviews از نتایج برآورد تجربی مدل ارائه شده :

۲-۱. مدل اول: تک معادله ای

Dependent Variable: LOG(GP?)
 Method: GLS (Cross Section Weights)
 Date: 02/12/07 Time: 09:45
 Sample: 1 161
 Included observations: 110
 Total panel (unbalanced) observations 354
 Convergence achieved after 4 iteration(s)

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(GDPRP99)	0.095253	0.015004	6.348627	0.0000
LOG(LF?)	1.706097	0.220950	7.721640	0.0000
SES?	0.005634	0.002421	2.326832	0.0205
LOG(FER?)	-0.127670	0.095820	-1.332398	0.1836
GEX?	0.039675	0.005162	7.686544	0.0000
SGDP?	0.015989	0.002246	7.119297	0.0000
INF?	0.006016	0.002206	2.727761	0.0067
LOG(EF?)	2.101459	0.158424	13.26479	0.0000
Fixed Effects				
99--C	-10.43634			
00--C	-10.58580			
01--C	-10.48474			
02--C	-10.55241			
03--C	-10.57028			

04--C	-10.67447		
Weighted Statistics			
R-squared	0.948610	Mean dependent var	9.113399
Adjusted R-squared	0.946645	S.D. dependent var	1.872164
S.E. of regression	0.432447	Sum squared resid	63.58349
Log likelihood	224.4846	F-statistic	896.5744
Durbin-Watson stat	1.736211	Prob(F-statistic)	0.000000
Unweighted Statistics			
R-squared	0.852318	Mean dependent var	8.911273
Adjusted R-squared	0.846672	S.D. dependent var	1.104389
S.E. of regression	0.432447	Sum squared resid	63.58367
Durbin-Watson stat	1.786092		

۲. مدل دوم: برآورد سیستمی

System: SYS04				
Estimation Method: Two-Stage Least Squares				
Date: 02/12/07				
Time: 11:58				
Sample: 1 161				
	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	
C(1)	-33.92830	8.248495	-4.113272	0.0001
C(2)	0.021565	0.043548	0.495197	0.6208
C(3)	7.727026	2.218279	3.483342	0.0006
C(4)	0.006893	0.009360	0.736486	0.4620
C(5)	-0.236280	0.410533	-0.575545	0.5654
C(6)	0.025558	0.018961	1.347916	0.1787
C(7)	0.021720	0.009927	2.187870	0.0295
C(8)	0.002026	0.007792	0.259979	0.7951
C(9)	1.966841	0.647752	3.036410	0.0026
C(10)	-8.475349	2.158601	-3.926316	0.0001
C(11)	0.116685	0.032619	3.577255	0.0004
C(12)	1.323473	0.451165	2.933458	0.0036
C(13)	0.007789	0.005377	1.448442	0.1485
C(14)	-0.112273	0.225947	-0.496902	0.6196
C(15)	0.043007	0.010796	3.983638	0.0001
C(16)	0.013831	0.004932	2.804194	0.0054
C(17)	-0.002842	0.003878	-0.732823	0.4642
C(18)	1.825947	0.307348	5.940983	0.0000
C(19)	-32.16284	5.738675	-5.604576	0.0000
C(20)	-0.015528	0.041414	-0.374950	0.7080
C(21)	7.603781	1.538422	4.942584	0.0000
C(22)	0.022852	0.006996	3.266343	0.0012
C(23)	0.322326	0.240227	1.341755	0.1807

C(24)	0.009672	0.015485	0.624631	0.5327
C(25)	0.017415	0.007163	2.431307	0.0156
C(26)	0.015594	0.010908	1.429594	0.1539
C(27)	1.575050	0.497590	3.165357	0.0017
C(28)	-11.07360	2.120239	-5.222809	0.0000
C(29)	0.079009	0.030794	2.565711	0.0108
C(30)	1.834969	0.421166	4.356879	0.0000
C(31)	0.002659	0.004673	0.568948	0.5698
C(32)	-0.269091	0.176699	-1.522876	0.1288
C(33)	0.041728	0.009634	4.331448	0.0000
C(34)	0.015684	0.004582	3.422864	0.0007
C(35)	0.014450	0.003622	3.989262	0.0001
C(36)	2.250544	0.324143	6.943060	0.0000
C(37)	-8.653827	2.327546	-3.718005	0.0002
C(38)	0.086809	0.034810	2.493771	0.0132
C(39)	1.342858	0.498053	2.696216	0.0074
C(40)	0.003418	0.005462	0.625758	0.5319
C(41)	-0.397405	0.207251	-1.917506	0.0561
C(42)	0.043622	0.011288	3.864657	0.0001
C(43)	0.012087	0.004763	2.537409	0.0117
C(44)	-0.006359	0.009794	-0.649341	0.5166
C(45)	2.163616	0.394070	5.490431	0.0000
C(46)	-13.72549	3.450185	-3.978188	0.0001
C(47)	0.134652	0.073529	1.831290	0.0680
C(48)	2.727721	0.572315	4.766119	0.0000
C(49)	0.003804	0.007004	0.543118	0.5875
C(50)	0.090109	0.281099	0.320559	0.7488
C(51)	0.003671	0.019128	0.191900	0.8480
C(52)	0.013550	0.007034	1.926380	0.0550
C(53)	0.008610	0.008574	1.004202	0.3161
C(54)	1.671354	0.543206	3.076832	0.0023
Determinant residual covariance		2.81E-07		
Equation: LOG(GP99) = C(1) + C(2)*LOG(GDPRP99) + C(3) *LOG(LF99) + C(4)*SES99 + C(5)*LOG(FER99) + C(6)*GEX99 + C(7)*SGDP99 + C(8)*INF99 + C(9)*LOG(EF99)				
Observations: 29				

R-squared	0.886342	Mean dependent	9.528076	
Adjusted R-squared	0.840879	S.D. dependent	0.840261	
S.E. of regression	0.335180	Sum squared	2.246917	
Durbin-Watson stat	2.187576			
Equation: LOG(GP00) = C(10) + C(11)*LOG(GDPRP99) + C(12) *LOG(LF00) + C(13)*SES00 + C(14)*LOG(FER00) + C(15) *GEX00 + C(16)*SGDP00 + C(17)*INF00 + C(18)*LOG(EF00)				
Observations: 86				

R-squared	0.854241	Mean dependent var	8.726464
Adjusted R-squared	0.839097	S.D. dependent var	1.137418
S.E. of regression	0.456250	Sum squared resid	16.02860
Durbin-Watson stat	1.721489		

Equation: LOG(GP01) = C(19) + C(20)*LOG(GDPRP99) + C(21) *LOG(LF01) + C(22)*SES01 + C(23)*LOG(FER01) + C(24) *GEX01 + C(25)*SGDP01 + C(26)*INF01 + C(27)*LOG(EF01)			
Observations: 30			

R-squared	0.889689	Mean dependent var	9.698281
Adjusted R-squared	0.847666	S.D. dependent var	0.634005
S.E. of regression	0.247452	Sum squared resid	1.285885
Durbin-Watson stat	3.837029		

Equation: LOG(GP02) = C(28) + C(29)*LOG(GDPRP99) + C(30) *LOG(LF02) + C(31)*SES02 + C(32)*LOG(FER02) + C(33) *GEX02 + C(34)*SGDP02 + C(35)*INF02 + C(36)*LOG(EF02)			
Observations: 94			

R-squared	0.853454	Mean dependent var	8.868161
Adjusted R-squared	0.839661	S.D. dependent var	1.081785
S.E. of regression	0.433172	Sum squared resid	15.94924
Durbin-Watson stat	1.486574		

Equation: LOG(GP03) = C(37) + C(38)*LOG(GDPRP99) + C(39) *LOG(LF03) + C(40)*SES03 + C(41)*LOG(FER03) + C(42) *GEX03 + C(43)*SGDP03 + C(44)*INF03 + C(45)*LOG(EF03)			
Observations: 80			

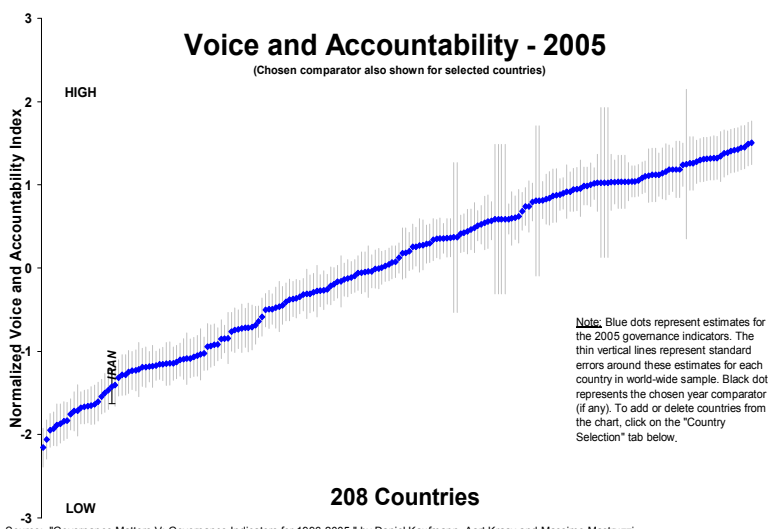
R-squared	0.846898	Mean dependent var	8.944578
Adjusted R-squared	0.829647	S.D. dependent var	1.106195
S.E. of regression	0.456569	Sum squared resid	14.80031
Durbin-Watson stat	1.714965		

Equation: LOG(GP04) = C(46) + C(47)*LOG(GDPRP99) + C(48) *LOG(LF04) + C(49)*SES04 + C(50)*LOG(FER04) + C(51) *GEX04 + C(52)*SGDP04 + C(53)*INF04 + C(54)*LOG(EF04)			

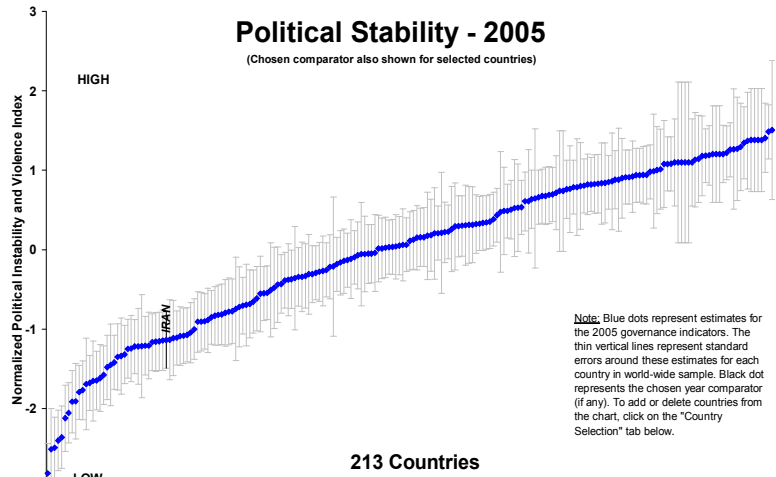
Observations: 35			

R-squared	0.877035	Mean dependent var	8.219386
Adjusted R-squared	0.839199	S.D. dependent var	1.001164
S.E. of regression	0.401467	Sum squared resid	4.190561
Durbin-Watson stat	0.507937		

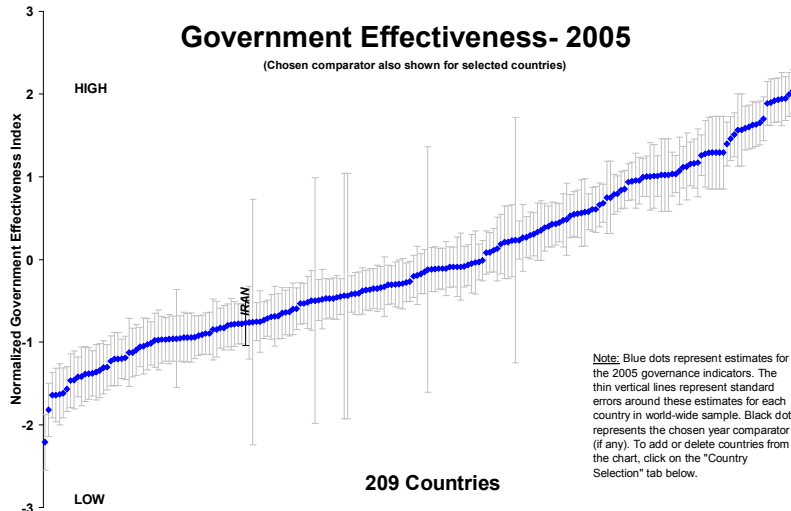
۳. وضعیت ایران در شاخص‌های حاکمیتی محاسبه‌شده توسط کوفمن، کرای و مستروزی (۲۰۰۵)



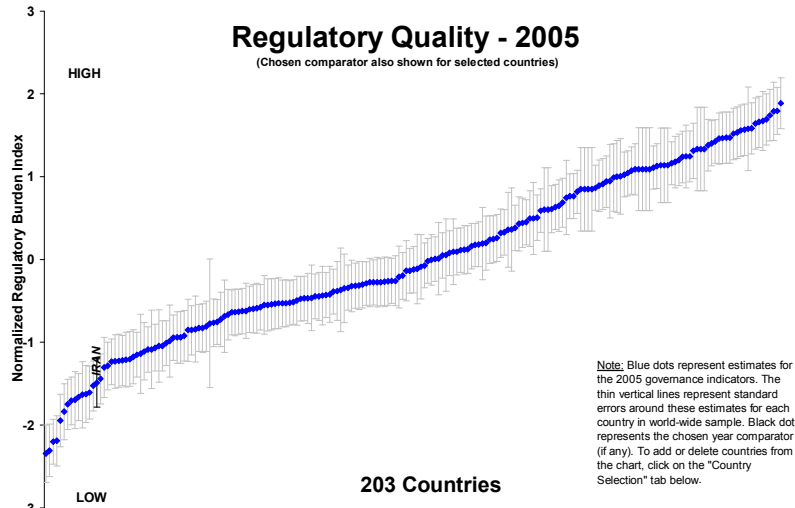
Source: "Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005" by Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi.
Disclaimer: The governance indicators presented here reflect the statistical compilation of responses on the quality of governance given by a large number of enterprise, citizen and expert survey respondents in industrial and developing countries, as reported by a number of survey institutes, think tanks, non-governmental organizations, and international organizations. The aggregate indicators in no way reflect the official position of the World Bank, its Executive Directors, or the countries they represent. As discussed in detail in the accompanying papers, countries' relative positions on these indicators are subject to margins of error that are clearly indicated. Consequently, precise country rankings should not be inferred from this data.



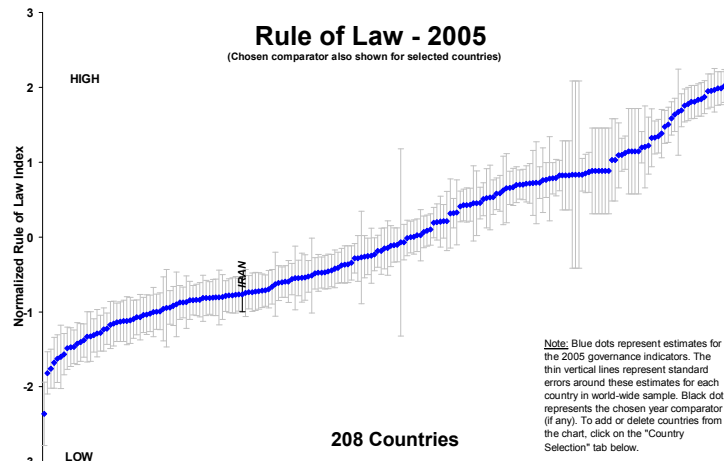
Source: "Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005" by Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi.
Disclaimer: The governance indicators presented here reflect the statistical compilation of responses on the quality of governance given by a large number of enterprise, citizen and expert survey respondents in industrial and developing countries, as reported by a number of survey institutes, think tanks, non-governmental organizations, and international organizations. The aggregate indicators in no way reflect the official position of the World Bank, its Executive Directors, or the countries they represent. As discussed in detail in the accompanying papers, countries' relative positions on these indicators are subject to margins of error that are clearly indicated. Consequently, precise country rankings should not be inferred from this data.



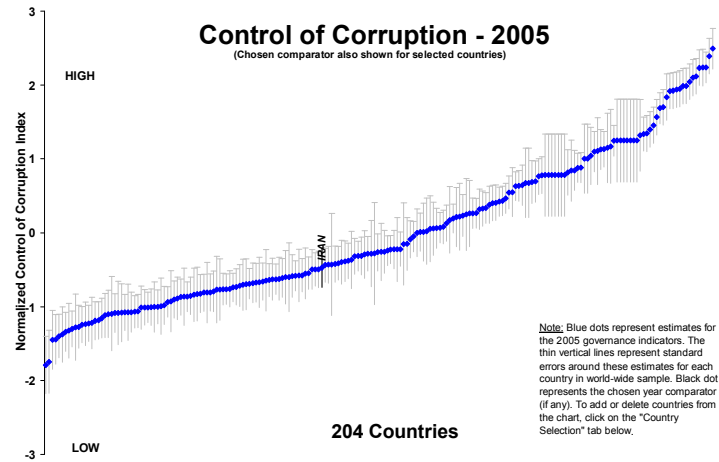
Source: "Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005" by Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi.
Disclaimer: The governance indicators presented here reflect the statistical compilation of responses on the quality of governance given by a large number of enterprise, citizen and expert survey respondents in industrial and developing countries, as reported by a number of survey institutes, think tanks, non-governmental organizations, and international organizations. The aggregate indicators in no way reflect the official position of the World Bank, its Executive Directors, or the countries they represent. As discussed in detail in the accompanying papers, countries' relative positions on these indicators are subject to margins of error that are clearly indicated. Consequently, precise country rankings should not be inferred from this data.



Source: "Governance Matters V Governance Indicators for 1996-2005" by Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi.
Disclaimer: The governance indicators presented here reflect the statistical compilation of responses on the quality of governance given by a large number of enterprise, citizen and expert survey respondents in industrial and developing countries, as reported by a number of survey institutes, think tanks, non-governmental organizations, and international organizations. The aggregate indicators in no way reflect the official position of the World Bank, its Executive Directors, or the countries they represent. As discussed in detail in the accompanying papers, countries' relative positions on these indicators are subject to margins of error that are clearly indicated. Consequently, precise country rankings should not be inferred from this data.



Source: "Governance Matters V Governance Indicators for 1996-2005" by Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi.
Disclaimer: The governance indicators presented here reflect the statistical compilation of responses on the quality of governance given by a large number of enterprise, citizen and expert survey respondents in industrial and developing countries, as reported by a number of survey institutes, think tanks, non-governmental organizations, and international organizations. The aggregate indicators in no way reflect the official position of the World Bank, its Executive Directors, or the countries they represent. As discussed in detail in the accompanying papers, countries' relative positions on these indicators are subject to margins of error that are clearly indicated. Consequently, precise country rankings should not be inferred from this data.



Source: "Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005" by Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi.
Disclaimer: The governance indicators presented here reflect the statistical compilation of responses on the quality of governance given by a large number of enterprise, citizen and expert survey respondents in industrial and developing countries, as reported by a number of survey institutes, think tanks, non-governmental organizations, and international organizations. The aggregate indicators in no way reflect the official position of the World Bank, its Executive Directors, or the countries they represent. As discussed in detail in the accompanying papers, countries' relative positions on these indicators are subject to margins of error that are clearly indicated. Consequently, precise country rankings should not be inferred from this data.